

مسکو تل آویو را در سوریه محدود می کند



تل آویو اتخاذ کنند تا جایی که حمله ۱۹ جولای (۲۸ تیرماه) رژیم صهیونیستی به سوریه، با پاسخ کم سابقه کرملین روبه‌رو شود. بنا بر آنچه در یاسلار وادیم کولیت معاون مرکز آشتی طرف‌های متخاصم در سوریه به همت سامانه‌های دفاع موشکی روسیه هفت موشک از شلب موشکی را که به سمت پایگاه‌هایی در نزدیکی حلب، شلیک شد، سرنگون کرده است و در نزدیکی حمص نیز تمام چهار موشک شلیک شده، رهگیری شدند. اگر چه الشرق الاوسط به نقل از یک منبع ناشناس روس نوشته است پس از ملاقات جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا با ولادیمیر پوتین همتای روس خود، واگشتن از افزایش فعالیت‌های تل آویو در سوریه ابراز ناخرسندی کرده است، اما در واقع هیچ نشانه‌ای از نگرانی ایالات متحده درباره فعالیت‌های نظامی رژیم صهیونیستی در سوریه وجود ندارد.

محک زدن دولت جدید تل آویو

موضع روس‌ها را می‌توان از منظر دیگری هم ارزیابی کرد. با روی کار آمدن کابینه جدید نفتالی بنت در اراضی اشغالی که چیزی شبیه به شرکت سه‌پای است، پوتین ظاهراً به دنبال محک زدن اراده و عزم بهران نسبتاً بی‌تجربه این رژیم است. هادی محمدی کارشناس مسائل خاورمیانه معتقد است روسیه نمی‌خواهد جایگاه خود را در سوریه از

دست بدهد و با توجه به چنین دغدغه‌ای، تغییر در رویکرد روسیه در سوریه را از دو جنبه تحلیل می‌کند. نخست اینکه بعد از مدت‌ها تقسیم کار میان ایران و روسیه در سوریه و در شرایطی که قرار بود، روس‌ها حریم هوایی سوریه و ایران حریم زمینی را کنترل کند، تل آویو بدون اینکه وارد حریم هوایی سوریه شود، از لبنان و مدیترانه به سوریه حمله کرده است. ایران و سوریه به این اقدامات واکنش نشان دادند و تهران اعلام کرد اگر مسکو با تل آویسو ملاحظاتی دارد، ایران با چنین موافعی مواجه نیست و می‌تواند وارد عمل شود. از این رو، روسیه که نمی‌خواهد میدان را در سوریه از دست بدهد، قصد دارد با نفتالی بنت قواعد جدیدی تعریف کند و این یعنی اینکه روسیه حتماً میدان عمل روسیه را



روسیه که نمی‌خواهد میدان را در سوریه از دست بدهد، قصد دارد با نفتالی بنت قواعد جدیدی تعریف کند

و این یعنی اینکه روسیه حتماً میدان عمل روسیه را محدودتر خواهد کرد

نا تو دنبال او کرا اینیواسیون بلاروس است

نفوذ به خارج نزدیک روسیه با حذف «منطقه خاکستری»



هر چه می‌گذرد، اظهارات ضد بلاروس داغ‌تر می‌شود. در واقع در برهه کوتنی هم هدف غربی‌ها در وهله نخست بلاروس نیست، بلکه روسیه است که امروزه مقابل چمنان کشورهای غربی به یک قدرت توانمند جهانی تبدیل شده و غربی‌ها را نگران کرده است. «هشدار این مقام ارشد بلاروس با توجه به تشدید اقدامات خصمانه غربی‌ها به ویژه اتحادیه اروپا و آمریکا علیه مینسک در ماه‌های اخیر قابل فهم است. منظور وزیر خارجه بلاروس از تبدیل این کشور به اوکراینی دیگر این است که همانند او کراین که عملاً به بلو ک غرب و جبهه ضد روسی پیوسته است، بلاروس نیز با تغییر رژیم و رئیس‌جمهور آن تبدیل به پایگاه جدیدی ضد روسیه شود.

رویکرد غرب

غرب همواره به اعتراضات بلاروس به مثابه فرصتی بی‌بدیل برای تحقق اهداف کلان خود در عرصه اروپای شرقی و علیه روسیه تریسته است. آمریکا و اتحادیه اروپا در چارچوب برپایی انقلاب رنگی به حمایت از معترضان پرداخته و اکنون روند مداخله‌جویی خود را با افزایش فشارهای سیاسی و تحریم‌های جدید تشدید کرده‌اند.اتحادیه اروپا و آمریکا تقریباً به طور هم‌زمان اعلام کرده‌ند الکساندر لوکاشنکو را به عنوان رئیس‌جمهور منتخب بلاروس به رسمیت نشناخته و بارها از نحوه برخورد دولت بلاروس با معترضان انتقاد کرده‌اند. در مقابل رئیس‌جمهور بلاروس بارها از توطئه‌های غرب علیه این کشور خبر داده و آن را محکوم کرده است. «رژیم شرایمین» تحلیلگر سیاسی با اشاره به وضعیت بحرانی روابط بلاروس و

«نقشه‌های جدید» فراتر از توافق العلاء

مجمع امنیتی آسپن گفت: «توافق العلاء به حل اختلافات منجر شد و کارآیی آن را در تقویت وحدت شورای همکاری انبات کرد. در این بین، سفر ولیعهد ابوظبئی و حاکم واقعی آن محمد بن زاید به بحرین در روز بعد قابل توجه است به خصوص اینکه بن عیسی در دیدار با بن زاید گفت: «بحرین با امارات بر سر دفاع از عربستان و حاکم واقعی این کشور محمد بن سلمان در آن زمان به فرودگاه رفت تا شخصاً از امیر قطر تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی استقبال کند و به زغم پروتکل‌های بهداشتی را با وی بوسی کرد تا اینکه نشان دهد تمام اختلافات به پایان رسیده است چنان‌که توافق العلاء برای عادی‌سازی روابط با قطر را به عنوان «اتحاد پایداری» توصیف کرد.
با وجود این نمایش سیاسی و تبلیغاتی که حول و حوش آن انجام می‌شد، بسیاری از تحلیلگران چندان اعتمادی به این توافق و اتحاد پایدار مورد نظر بن سلمان نداشتند و نشانه‌هایی نیز دیده می‌شد که این توافق دیر پا زود رنگ خواهد باخت. حالاً به نظر می‌رسد این پیشگویی با گذشت هشت ماه از آن موقع در حال محقق شدن است و اختلافات قدیمی بهانه‌ای شده تا پایه‌های آن «اتحاد پایداری» متزلزل شود.

ادعاهای ارضی قدیمی
دور جدید اختلافات با موضع‌گیری اخیر خالد بن احمد، مشاور پادشاه و وزیر امور خارجه سابق بحرین، شروع شد. او در رشته

۲ سبلی، به صهیونیست‌ها

بیزنس اینسایدر درباره تغییر رویکرد روسیه در سوریه نوشته است اگر چنین تغییری در راه باشد، احتمالاً مشکلاتی برای ایالات متحده ایجاد خواهد کرد، چراکه وضعیت میان اسرائیل و روسیه، در حالی که غیر مستانه است، شکننده و پیچیده هم است. «بن کاسپیت» روزنامه‌نگار المانیوتو به نارضایتی اسرائیل از احتمال تغییر موضع روسیه در قبال سوریه اشاره کرد و به نقل از منابع مطلع در دستگاه امنیتی صهیونیست‌ها موضع روسیه را یک حقه تاکتیکی با هدفی نامشخص دانست. به نظر می‌رسد همه اینها نشان می‌دهد کرملین قصد دارد در رویکرد خود در قبال اسرائیل تجدیدنظر کند تا نیروهای ارتش اسرائیل را مجبور به پذیرش قوانین جدید بازی منطقه‌ای نماید.

عبدالباری عطوان سردبیر روزنامه رأی‌الیوم، موضع روسیه درباره ایران و سوریه را اینگونه ارزیابی می‌کند: «اسرائیل دو سبلی محکم در پاسخ به تجاوز مکررش به اهداف ایران و سوریه به نیز جنبه‌باله دریافت کرده است؛ اولی وقتی بود که روسیه ارتش سوریه را به سامانه موشکی‌ای مجهز کرد که می‌تواند تمام موشک‌های اسرائیل را سرنگون کند و دومی حمله ایران به کشتی‌اش در سواحل عمان که تأیید کرد حملاتش در عمق سوریه بی‌پاسخ نمی‌ماند.»



برداشت توافق العلاء تنها باعث فاصله گرفتن بحرین از عربستان نمی‌شود، بلکه مسئله اصلی در فاصله‌ای است که او از محمد بن سلمان گرفته است. بن زاید و بن سلمان طی سال‌های اخیر اتحاد منطقه‌ای تشکیل دادند و این اتحاد پایه همکاری آنها در سه پرونده اصلی و مهم جنگ یمن، محاصره قطر و دخالت در جنگ داخلی لیبی شده بود جدای از این در دیگر مسائل منطقه‌ای نیز کمابیش هم‌نظر بودند.

بن زاید به دلیل این اتحاد منطقه‌ای بود که تن جزایر و مناطق حواری، الزبارة، جنان، فشت الدلیل و جراهه دوباره مطرح کرد و در پیامی گفت: «جزایر حواری و الزبارة متعلق به بحرین است و حقوق آنها از بین نخواهد رفت.» او در پیام دیگری بر ادعاهای قدیمی بحرین بر مالکیت الزبارة تأکید کرد و مدعی شد: «مردم آن بحرینی هستند چه مدعیان بخواهند یا نه و هر چقدر زمان بگذرد، حقوق آنها ضایع نخواهد شد.» در واقع، اختلاف سر این جزایر و مناطق به سال‌های دور بازمی‌گردد که دو طرف خواهر دهه ۱۹۸۰ تا یک قدمی جنگ پیش رفتند و هر چند گمان می‌رفت میانجی‌گری عربستان و پیمان ترک مخاصمه مشکل را حل کرده اما قطر موضوع را در ۱۹۹۱ در دیوان بین‌المللی لاهه برود. دیوان بین‌المللی در ۲۰۰۱ حکم خود را اعلام و به نوعی جزایر و مناطق را بین دو طرف تقسیم کرد، زیرا حاکمیت بحرین بر حواری و جراهه را تأیید کرد و حاکمیت الزبارة، جنان و فشت الدبیل را به قطر داد. این ادعاهای در شبکه‌های اجتماعی بالا گرفته به نحوی که برخی نقشه‌های قدیمی را دوباره مطرح کرده و حتی مدعی شده‌اند نیمی از قطر متعلق به بحرین است؛ در مقابل، قطر هم نیز کارزار تبلیغاتی خود را راه انداخته و برای مثال، سرتیب بازنشسته اطلاعاتی شاهین السلیطی در توئیتر نوشت: «حواری دیر سابقاً زود به قطر بازمی‌گردد... یا به خوبی با به زور» و مریم آل ثانی از خاندان حاکم بر قطر نیز آرزو کرد یکی از اهداف مجلس شورای آینده قطر بازگرداندن حواری به این کشور باشد.

خبر‌گزاری دولتی بحرین، بنابر روز دوشنبه دوم اگوست و به نقل از پادشاه این کشور حمد بن عیسی‌آل خلیفه، عدم اجرای توافقنامه العلاء را مطرح کرد تا موضوع منامه در قبال این توافقنامه و شکسته شدن آن در آینده را بیان کرده باشد. به عبارت دیگر، پادشاه بحرین به دلیل وابستگی بیش از حد به دربار آل سعود جرت مخالفت با توافق العلاء یا خروج از آن را ندارد و به نظر می‌رسد با بهانه‌گیری و ادعای عدم اجرای مفاد آن زمینه را برای فروپاشی این توافقنامه فراهم کرده باشد. عربستان سعودی به صراحت پاسخ بن عیسی را داد. وزیر خارجه آل سعود فیصل به فرحان روز چهارشنبه ۴ اگوست و در کنفرانس مجازی تلاش امارات و شخص بن زاید برای از میان